

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سی و دوم 99/09/16

موضوع: اجتهاد و تقلید - پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام، واسطه فیض بین خالق و مخلوق

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى یوم لقاء الله.

پرسش:

چه کنیم در نماز حواسمان پرت نشود؟

پاسخ:

بهترین راه این است که به آیه :

(أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟!

سوره علق (96): آیه 14

توجه کنیم. شما روایاتی که در رابطه با نماز ائمه (علیهم السلام)، نماز رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم)، نماز حضرت امیر (سلام الله علیه) و نماز صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است را مطالعه کنید، و کتاب «سر الصلاة - امام رضوان الله تعالی علیه» را بخوانید، نه یک بار بلکه دوپست، سیصد و پانصد بار!

کتاب «پرواز در ملکوت» ترجمه جناب آقای «فهری» است. نذر کنید هر روز هفت - هشت صفحه از این کتاب را مطالعه کنید بعد از گذشتن چهار- پنج ماه، نه تنها در نماز حواستان پرت نمی شود بلکه یک نمازی می خوانید و لذتی از آن نماز می برید که پادشاهان از آن سلطنت شان چنین لذتی نمی برند. بهشتیان از آن حور و قصور، چنین لذتی نمی برند.

پرسش:

کتاب «تحف العقول»، چه مقدار اعتبار علمی دارد؟

پاسخ:

کتاب «تحف العقول» سند ندارد. مثل خانه ای که سند ندارد. باید گشت و برایش سند پیدا کرد. اگر در کتاب‌های دیگر، سند روایاتی که ایشان آورده پیدا شد درست می‌شود.

اضافه بر آن، کتاب «تحف العقول» عمدتاً کتاب اخلاقی است و بحث‌های احکام را خیلی کم دارد. در کتاب‌های اخلاقی هم بزرگان قائل به تسامح در ادله سنن هستند لذا مشکلی را ایجاد نمی‌کند.

پرسش:

آیا صحیح است که در زمان محاصره خانه عثمان، امیرالمؤمنین (علیه السلام) امام حسن و امام حسین را برای دفاع از عثمان فرستادند؟

پاسخ:

بله، در منابع متعدد است که حضرت امیر هم خودشان دفاع کردند و هم امام حسن و امام حسین را فرستادند. در «نهج البلاغه» هم دارد: "من به قدری از عثمان دفاع کردم که می‌ترسم گناهکار باشم".

وَاللَّهِ لَقَدْ دَفَعْتُ عَنْهُ حَتَّى حَشِيتُ أَنْ أَكُونَ آتِيًا

نام کتاب: نهج البلاغه (للسبحي صالح) - نویسنده: شریف الرضي، محمد بن حسين (م 406 ق)

محقق / مصحح: صالح، صبحي - ناشر: هجرت - خطبه 240، ص 358

پرسش:

آیا امیرالمؤمنین در نماز جماعت خلفا شرکت می‌کردند و پشت سر آنها نماز می‌خواندند؟

پاسخ:

ثُمَّ قَامَ وَ تَهَيَّأَ لِلصَّلَاةِ وَ حَضَرَ الْمَسْجِدَ وَ وَقَفَ خَلْفَ أَبِي بَكْرٍ وَ صَلَّى لِنَفْسِهِ

نام کتاب: تفسیر القمی- نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم(م قرن 3 ق)- محقق / مصحح: موسوی

جزائری، طیب- ناشر: دارالکتاب- ج 2 ، ص 159

در نماز آن‌ها حضور پیدا می‌کرد؛ ولی نماز خودش را می‌خواند نه این‌که به آن‌ها اقتدا بکند. این مطلب را ما داریم. همین‌طور آقا امام حسن و آقا امام حسین پشت سر مروان نماز می‌خوندند «و یصلي بصلاة نفسه»!

پرسش:

وهابی‌ها در باب اسلام «معاویه» قبل از «فتح مکه»، از قول خودش نقلی آورده اند که در طبقات موجود است. نظر شما چیست؟

مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ بْنِ حَزْبِ بْنِ أُمَيَّةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسِ بْنِ عَبْدِ مَنَافِ بْنِ قُصَيِّ، وَأُمُّهُ هِنْدُ بِنْتُ عُتْبَةَ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ عَبْدِ شَمْسِ بْنِ عَبْدِ مَنَافِ بْنِ قُصَيِّ، وَيُكْنَى مُعَاوِيَةُ: أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، وَلَهُ عَقِبٌ، وَكَانَ يَذْكُرُ أَنَّهُ أَسْلَمَ عَامَ الْحَدِيثِ، وَكَانَ يَكْتُمُ إِسْلَامَهُ مِنْ أَبِي سُفْيَانَ قَالَ: «فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَكَّةَ عَامَ الْفَتْحِ، فَأَظْهَرْتُ إِسْلَامِي، وَلَقِيْتُهُ، فَزَحَّ بِِي»

کتاب: الطبقات الكبرى- المؤلف: أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد (م: 230هـ)- المحقق: إحسان عباس- الناشر: دار صادر - بيروت- ج 7 ، ص 406

پاسخ:

اسلام معاویه در روز «فتح مکه» بوده و نقل این قضیه قبل از فتح، کذب است. در تمام جنگ‌هایی که علیه اسلام بوده، او پرچمدار بوده و اصلاً امیرالمؤمنین علیه السلام معاویه را مسلمان نمی‌داند.

حضرت می‌فرماید او در «فتح مکه» هم که مسلمان شد، در واقع تظاهر به اسلام کرد:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ أَظْهَرُوهُ»

نهج البلاغة (للصبي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق / مصحح:

فیض الاسلام، ص 374، خطبه 16

این مطلب علاوه بر «نهج البلاغه»، در کتاب «مجمع الزوائد - هیثمی» جلد 1، از قول «عمار» آمده:

وَعَنْ سَعْدِ بْنِ حَذِيفَةَ قَالَ: قَالَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ يَوْمَ صَفِيِّنَ، وَذَكَرَ أَمْرَهُمْ وَأَمْرَ الصُّلْحِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا أَسْلَمُوا،  
وَلَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَأَسْرُوا الْكُفْرَ، فَلَمَّا رَأَوْا عَلَيْهِ أَعْوَانًا أَظْهَرُوهُ.

رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْكَبِيرِ، وَسَعْدُ بْنُ حَذِيفَةَ لَمْ أَرِ مَنْ تَرْجَمَهُ.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد؛ اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي الوفاة: 807، دار النشر: دار الريان  
للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة ، بيروت - 1407، ج1، ص113

روایت هم صحیح است. این اشکال هم که می گویند:

«سعد بن حذيفة لم أر من ترجمه»

اشتباه است.

همچنین در «شرح نهج البلاغه - ابن ابی الحديد» بدین شکل است:

«والذي فلق الحبة، وبرأ النسمة، ما أسلموا ولكن استسلموا، وأسروا الكفر؛ فلما وجدوا عليه أعواناً، رجعوا  
إلى عداوتهم لنا»

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد  
المدائني الوفاة: 655 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1418 هـ - 1998 م، الطبعة :  
الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج4، ص18

وَلَمَّا ادَّعَى الْيَهُودُ الْخِيَابِرَةَ أَنَّ مَعَهُمْ كِتَابًا نَبَوِيًّا فِيهِ إِسْقَاطُ الْجَزِيَّةِ عَنْهُمْ أَوْفَقَ ابْنُ مُسْلِمَةَ الْخَطِيبِ عَلَى  
هَذَا الْكِتَابِ.

فَقَالَ: هَذَا كَذِبٌ، فقال له: وما الدليل على كذبه؟ فقال: لَأَنَّ فِيهِ شَهَادَةَ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ وَلَمْ يَكُنْ  
أَسْلَمَ يَوْمَ حَيْبَرٍ، وَقَدْ كَانَتْ حَيْبَرُ فِي سَنَةِ سَبْعٍ مِنَ الْهَجْرَةِ، وَإِنَّمَا أَسْلَمَ مُعَاوِيَةُ يَوْمَ الْفَتْحِ، وَفِيهِ شَهَادَةُ سَعْدِ  
بْنِ مُعَاذٍ، وَقَدْ مَاتَ قَبْلَ خَيْرِ عَامِ الْخَنْدَقِ سَنَةَ حَمْسٍ.

الكتاب: البداية والنهاية- المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (م  
774هـ)- المحقق: علي شيري- الناشر: دار إحياء التراث العربي- ج 12 ، ص 124

پرسش:

مطلب «اصحابی کالنجوم» در «تفسیر جامع اثری» وجود دارد؟

پاسخ:

ایشان (مرحوم معرفت)، در صفحه 101 ، از «کتاب معانی الاخبار صفحه 156» آورده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا وَجَدْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَالْعَمَلُ لَكُمْ بِهِ لَا عُذْرَ لَكُمْ فِي تَرْكِهِ وَ مَا لَمْ يَكُنْ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ كَانَتْ فِيهِ سُنَّةٌ مِنِّي فَلَا عُذْرَ لَكُمْ فِي تَرْكِ سُنَّتِي وَ مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ سُنَّةٌ مِنِّي فَمَا قَالَ أَصْحَابِي فَقُولُوا بِهِ فَإِنَّمَا مَثَلُ أَصْحَابِي فِيكُمْ كَمَثَلِ النُّجُومِ بِأَيِّهَا أُخِذَ اهْتِدَى وَ بِأَيِّ أَقَاوِيلِ أَصْحَابِي أَخَذْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ وَ اخْتِلَافُ أَصْحَابِي لَكُمْ رَحْمَةٌ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أَصْحَابُكَ قَالَ أَهْلُ بَيْتِي.

معانی الاخبار؛ مؤلف: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص 156

متاسفانه انتهای روایت که مقصود از کلمه «اصحابی» را مشخص می کند، (که اهل بیت پیامبر هستند) را در تفسیر اثری نیاورده اند!

آغاز بحث...

بحث در رابطه با آیه 6 شریفه سوره احزاب:

(النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است!

سوره احزاب (33): آیه 6

بود. این آیه یکی از قوی‌ترین آیات قرآن در رابطه با حکومت سیاسی رسول اکرم است. به این آیه استدلال می‌کنند که ولایت امام (علیه السلام) عین ولایت رسول اکرم است.

آقای «صمیری بحرانی» متوفای 900 می‌گوید:

«لأنَّ له من الولاية ما كان للنبي صَلَّى اللهُ عليه وآله»

ولایتی که برای امیرالمؤمنین است عین همان ولایتی است که برای رسول اکرم است.

بعد ایشان به این آیه استدلال می‌کند:

**(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)**

کشف الالتباس عن موجز أبي العباس - الشيخ المفلق الصميري البحراني (متوفای 900)، تحقیق:

مؤسسة صاحب الأمر (عج)؛ ناشر: مؤسسة صاحب الأمر (عج) - قم المقدسة 1417، ج 1، ص 295

مرحوم علامه «طباطبایی رضوان الله تعالى علیه» در کتاب «الميزان» غوغایی به پا کرده است، روح ایشان شاد است خدا شادتر کند، درجات شان عالی است، عالی‌تر کند. الحق و الانصاف ایشان سنگ تمام در این بحث گذاشته است.

ایشان دارد:

«والمراد بالولاية في الحديث ولاية أمر الناس في دينهم ودنياهم»

روایتی را ایشان از امام صادق (علیه السلام) در رابطه با ولایت خود ائمه می‌آورد:

«...إن الله تبارك وتعالى لا يقبل إلا العمل الصالح ولا يقبل الله إلا الوفاء بالشروط والعهود فمن وفى لله بشرطه واستعمل ما وصف في عهده نال ما عنده واستكمل وعده إن الله تبارك وتعالى أخبر العباد بطرق الهدى، وشرع لهم فيها المنار، وأخبرهم كيف يسلكون؟ فقال: " وإنني لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدى " وقال: " إنما يتقبل الله من المتقين "»

تا آنجایی که می‌فرماید:

«فمن اتقى الله فيما أمره لقي الله مؤمنا بما جاء به محمد صلى الله عليه وآله وسلم.... " ثم اهتدى " إلى ولايتنا أهل البيت فوالله لو أن رجلا عبد الله عمره ما بين الركن والمقام ثم مات ولم يجئ بولايتنا لأكبه الله في النار على وجهه»

اگر کسی تمام عمرش را بین رکن و مقام عبادت کند، ولایت ما را نداشته باشد خدا او را به صورت در آتش جهنم می‌اندازند.

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة

المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج14، ص199

در کتاب «مناقب خوارزمی»، آورده که پیغمبر اکرم خطاب به حضرت امیر می‌فرماید:

«يا علي لو أن عبدا عبد الله مثل ما قام نوح في قومه وكان له مثل أحد ذهباً فأنفقه في سبيل الله وحج

ألف مرة على قدميه ثم قتل بين الصفاة والمروة مظلوما ثم لم يوالك، لم يشم رائحة الجنة ولم يدخلها»

اگر کسی به اندازه عمر حضرت نوح که در میان قومش بود تا نهصد و پنجاه سال عبادت کند عمر کند

مثل کوه احد طلا در راه خدا انفاق کند و هزار بار به زیارت خانه خدا برود و بین صفا و مروه مظلومانه

کشته شود و ولایت تو را نداشته باشد نه بوی بهشت را استشمام می‌کند و نه وارد بهشت می‌شود!

المناقب؛ نوسنده: الموفق الخوارزمي وفات : 568، تحقيق: الشيخ مالك المحمودي، ناشر: مؤسسة النشر

الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص67

مرحوم علامه «طباطبایی» بعد، از کتاب «کافی» هم یک روایتی را مثل همین می‌آورد و می‌گوید:

«والمراد بالولاية في الحديث ولاية أمر الناس في دينهم ودنياهم وهي المرجعية في أخذ معارف الدين

وشرائعه وفي إدارة أمور المجتمع وقد كانت للنبي صلى الله عليه وآله وسلم كما ينص عليه الكتاب في

أمثال قوله : " النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم " ثم جعلت لعترته أهل بيته بعده في الكتاب بمثل آية

الولاية...»

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة

المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج14، ص199

آقای «خوبی» در کتاب «مصباح الفقاهه» جلد 2 ، می‌گوید که در رابطه با ولایت ائمه از چهار جهت باید بحث

کرد: ولایت تکوینی، ولایت تشریعی، نفوذ اوامر ائمه در احکام شرعیه ای که مربوط به تبلیغ است و وجوب

اطاعت اوامر شخصی آنها.

من از عزیزان تقاضا می‌کنم این بحث را دقت کنند. وقتی توسلی به ائمه (علیهم السلام) می‌خواهند داشته

باشند، به حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌خواهند توسل داشته باشند ، به تعبیر آیت الله

العظمى «بهجت»، اول صبح که بلند می‌شوید، دست به سینه بگذارید و بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان» می‌نشینید بگویید: «یا صاحب الزمان». درس می‌خوانید... بگویید، یعنی تمام زندگی‌تان رنگ امام زمان بگیرد.

کدام امام زمان؟ امام زمانی که احاطه و علمش به ما و به عالم هستی، از علم ما به خودمان بالاتر و بیشتر است. ولایتی که امام زمان بر کل ما سوی الله دارد، عین ولایت الله است با این تفاوت که الله تبارک و تعالی ناظر و شارع است و ولایتش ولایت ذاتی است اما ولایتی که حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) دارند اکتسابی است و از خدا گرفته اند.

ایشان (آقای خوبی) می‌فرماید:

«أما الجهة الأولى: فالظاهر أنه لا شبهة»

عبارت را دقت کنید، این را امام شناسی می‌گویند. شما وقتی «یا محمد و یا علی، یا علی و یا محمد ادرکانی» می‌گویید، این خطاب و توسل به این شکل باید باشد:

«لا شبهة في ولايتهم على المخلوق بأجمعهم كما يظهر من الأخبار، لكونهم واسطة في اليجاد، وبهم الوجود وهم السبب في الخلق إذ لولاهم لما خلق الناس كلهم»

اگر آنها نبودند اصلا آدمی آفریده نمی‌شد. برای اینکه اینها واسطه در ایجاد و وجود و سبب خلقت هستند.

مصباح الفقاهة؛ نویسنده: السيد الخوئي (وفات : 1413)، تحقیق: جواد القيومي الأصفهاني

چاپخانه: العلمية - قم، ناشر: مكتبة الداوري - قم، ج 3، ص 280

مخلوق کل ما خلق الله است؛ یعنی از عرش و کرسی تا ملائکه مقرب، جن، انس، تمام کرات آسمانی! ایجاد عالم هستی به واسطه آنها صورت گرفته است.

واسطه در ایجاد و وجود و سبب خلقت هستند:

«وَبِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ»



من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج2، ص615

« إن الله خلق الاشياء بالمشية وخلق المشية بنفسها ونحن مشية الله »

مجمع النورین، نویسنده: الشيخ أبو الحسن المرندی، ص 215، فصل فی بیانان ثواب اللعن

«لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ»

تفسیر القمی؛ قمی، علی بن ابراهیم، محقق/ مصحح: : موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الكتاب، ج1، ص17

بعد ایشان می فرماید:

«وإنما خلقوا لأجلهم، وبهم وجودهم، وهم الواسطة في الإفاضة، بل لهم الولاية التكوينية لما دون الخالق.»

آنها به اذن خدا و به مادون خدا ولایت تکوینی دارند.

«فهذه الولاية نحو ولاية الله تعالى على الخلق ولاية ايجادية»

این ولایت، (ولایت تشریفاتی نیست)، ولایت ايجادی است.

«وإن كانت هي ضعيفة بالنسبة إلى ولاية الله تعالى على الخلق»

اگرچه ولایت ائمه بر خلق از ولایت خالق قطعاً ضعیف تر است.

«وهذه الجهة من الولاية خارجة عن حدود بحثنا وموكولة إلى محله.»

مصباح الفقاهة؛ نویسنده: السيد الخوئي (وفات : 1413)، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی

چاپخانه: العلمية - قم، ناشر: مكتبة الداوري - قم، ج3، ص280

ان شاء الله عزیزان عادت دارند صبحها بعد از نماز صبح، زیارت آل یاسین می خوانند. آنجا دارد:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُعَوِّذُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ.»

المزار الكبير (لابن المشهدي)؛ نویسنده: ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، محقق/ مصحح: قیومی اصفهانی، ص 570

آیا ما وقتی سلام به ائمه (علیهم السلام) می‌دهیم یا در نمازمان «السلام علیک ایها النبی» می‌گوییم، یا در «السلام علیکم ورحمة الله» که مصداق اعم و قطعی آن چهارده معصوم هستند، با این دید سلام می‌دهیم؟ که حضرات می‌بینند، و می‌شنوند و پاسخ می‌دهند.

همین سلام که ما به حضرت می‌دهیم هم به اذن اوست و با ولایت اوست .

فردای قیامت حساب و کتاب ما هم دست حضرت ولی عصر است. ما روایات متعدد داریم که هر امامی مسؤل حساب و کتاب مردم عصر خویش است.

روایت می‌گوید وقتی نماز می‌خوانید، این چنین نماز بخوانید که انگار بر روی پل صراط قرار گرفته‌اید و انبیاء(علیهم السلام) سمت راست شما نشسته‌اند و ناظر شما هستند.

الْقُطْبُ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: صَلَّى صَلَاةً مُودِعٍ فَإِذَا دَخَلْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقُلْ هَذَا آخِرُ صَلَاتِي مِنَ الدُّنْيَا وَ كُنْ كَأَنَّ الْجَنَّةَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ النَّارَ تَحْتَكَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ وَرَاءَكَ وَ الْأَنْبِيَاءَ عَنِ يَمِينِكَ وَ الْمَلَائِكَةَ عَنِ يَسَارِكَ وَ الرَّبَّ مُطَّلِعٌ عَلَيْكَ مِنْ فَوْقِكَ فَانْظُرْ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ تَقِفُ وَ مَعَ مَنْ تُتَاجِرُ وَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ.

نام کتاب: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل- نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی(م 1320 ق)-

ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام- ج 4 ، ص 104

در روایت «کافی» هم است، یکی از دعاهایی که قبل از نماز مستحب است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ- بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ صَلَاتِي»

...این‌ها را در برابر نمازم مقدم می‌کنم.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر

و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج2، ص544، بَابُ الدُّعَاءِ قَبْلَ الصَّلَاةِ، ح1

می‌گویید دقت کنید روی پل صراط هستید. این پل صراط بر روی جهنم قرار گرفته، اگر کوچک‌ترین بی‌توجهی کنید از این پل صراطی که از شمشیر برنده‌تر و از مو باریک‌تر است سقوط خواهید کرد.

شما احساس کنید انبیاء و ائمه (علیهم السلام) مقابل شما نشسته‌اند و نماز شما را تماشا می‌کنند. ملائکه رحمت سمت چپ شما، میزان حضور قلب شما در نماز و مناجات شما را می‌نویسند. اینچنین نماز بخوانید.

احساس کنید جهنمیان در داخل جهنم فریاد می‌کشند به خاطر نماز:

(مَا سَلَکُمْ فِي سَقَرٍ؛ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ)

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟ می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم».

سوره مدثر (74): آیه 42 و 43

اینها به خاطر بی‌نمازی در آتش جهنم می‌سوزند، صدای جهنمیان را بشنوید و لذت بهشتیان را هم ببینید و حضور اهل بیت را هم در نمازتان احساس کنید، بعد بگوئید الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم تا آخر نماز! یک نماز این چنینی اگر ما بتوانیم در عمرمان بخوانیم، آنگاه ان شاء الله امیدواریم دنیای ما و آخرت ما برزخ ما و همه چیزمان درست بشود.

آن عبارت جناب آقای «خویی» را داشته باشیم و زیاد بخوانیم.

یکی از دوستان سوال کردند است که فرق بین امام حی و میت چیست؟ اصلاً بحث حی میت برای آنها معنا ندارد. برای آنها مرگ و حیاتی مطرح نیست.

«الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون»

العقيدة رواية أبي بكر الخلال؛ اسم المؤلف: أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني أبو عبد الله الوفاة: 241،

دار النشر: دار قتيبة - دمشق - 1408 ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: عبد العزيز عز الدين السيروان، ج 1، ص

121

این عبارتی است که سنی‌ها هم قائل هستند.

خدا آیت الله «شاه آبادی» را پیامرزد. ما حدود هشت سال خدمت ایشان خارج فقه و خارج فلسفه و عرفان را

خواندیم. یک روز من از ایشان سوال کردم مقام جبرئیل بالاتر است یا مقام رسول اکرم؟

ایشان فرمودند قطعاً مقام رسول اکرم بالاتر است. گفتم جبرئیل به خدا نزدیک‌تر است یا پیغمبر نزدیک‌تر

است؟ گفتند قطعاً پیغمبر نزدیک‌تر است. گفتم اما از اینکه جبرئیل وحی را از طرف خدای عالم برای پیغمبر

می‌آورد پس معلوم می‌شود که جبرئیل به خدا نزدیک‌تر است.

گفتند اشتباه شما اینجا است. رسول اکرم دو وجود دارند، یک وجود نوری که در زیارت جامعه می‌خوانیم:

« خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكَم بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ »

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 613

یک وجود نوری است که در محضر خدا است و همواره در آنجا با آن وجود نوری مشغول تقدیس الهی هستند.

اما یک وجود ناسوتی هم دارند، این وجود ناسوتی در قالب بشر است. رسول اکرم با وجود نوری وحی را

می‌گیرد به جبرئیل می‌دهد و به جبرئیل امر می‌کند که این آیه را به وجود ناسوتی من ابلاغ کن. وجود ناسوتی

جبرئیل این وحی را می‌گیرد و ابلاغ می‌کند.

بحث خاتمیت نیست، ائمه (علیهم السلام) تمام مقام رسول اکرم را دارند غیر از مسئله خاتمیت و بحث وحی با

ملائکه صحبت می‌کنند، ملائکه با آنها ارتباط دارند:

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند.

سوره قدر (97): آیه 4

روح، به قولى ملكى اعظم از جبرئيل است .

در رابطه با عمل بندگان از منظر قرآن:

**(وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسِرَى اللّٰهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ)**

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند!

سوره توبه (9): 105

حضرت فرمود مراد از (مُؤْمِنُونَ) ما هستیم.

**(وَقُلْ اَعْمَلُوا)**

هر کاری می خواهید انجام دهید

**(فَسِرَى اللّٰهِ عَمَلَكُمْ)**

خدا می بیند **(وَرَسُولُهُ)** -رسوله (بافتح) نیست بلکه عطف به الله است - **(وَالْمُؤْمِنُونَ)**. امام فرمود مراد از

«مؤمنون» شماها نیستید، مراد از (مؤمنون) ما آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) هستیم.

در رابطه با «واسطه فیض»:

**(هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)**

(و به او گفتیم): این عطای ما است، به هر کس می خواهی (و صلاح می بینی) ببخش، و از هر کس

می خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست (تو امین هستی)!

سوره ص (38): آیه 39

این عطای ما است به هر کسی می خواهید بدهید و یا محروم کنید. همه اینها مورد تأیید قرآن است.

پرسش:

اگر دو وجود را برای پیغمبر اکرم قبول کنیم، ادعای «مسیحیان» در باب تثلیث را چه کنیم؟

آنها حضرت عیسی را خدا می‌دانند، ما رسول اکرم را عبدی از عباد خدا می‌دانیم. می‌گوییم «اشهد ان محمداً عبده و رسوله»، در همان وجود نوری هم: «خلقکم الله انواراً»؛ خدا شما را خلق کرده است.

«مسیحی»ها به 3 خدا معتقد هستند، «آب و ابن و روح القدس». آنها در ضمن اینکه خدا را قبول دارند (نستجیر بالله) حضرت مسیح را هم خدا می‌دانند. بحث تثلیث آنها جز کفر چیز دیگری نیست اینها اصلاً قابل مقایسه نیست.

عرض کردم قبل از اینکه به رسالت رسول اکرم شهادت بدهیم، بر عبودیتش شهادت می‌دهیم «اشهد ان محمداً عبده و رسوله»:

« خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُم بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ »

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 613

خدا شما را از نور آفرید و در عرش الهی:

«نَحْمَدُ اللَّهَ وَ نُكَبِّرُهُ وَ نُهَلِّلُهُ»

در همان جا مشغول تقدیس الهی هستند. امام (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «مصباح الهدایة والولاية» یک روایتی از امام رضا می‌آورند و ده - دوازده صفحه توضیح می‌دهند. در رابطه با: «خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا»؛ می‌گویند خدای عالم ما را که آفرید، نه عرشی، نه ملکی و نه ... نبود. بعد به واسطه ما ملائکه را آفرید، ملائکه هنگامیکه ما (انوار ائمه) را دیدند اول پنداشتند (نستجیر بالله) شاید ما خالق آنها هستیم. ما گفتیم «لا اله الا الله» آنها «لا اله الا الله» را یاد گرفتند .

فسبحنا فسبحت الملائكة ، وهللت الملائكة ، وكبرنا فكبرت

الملائكة

المجلسي، محمد باقر\_متوفای 1111ق\_، بحار الأنوار ، ج24، ص89، تحقیق: محمد الباقر البهبودي،  
ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

در آن روایت پیغمبر فرمود «افضل الناس» پیش خدا چه کسی است؟

«بَعْضُكُمْ أَكْثَرُ صَلَاةً مِنْ بَعْضٍ وَ بَعْضُكُمْ أَكْثَرُ حَجًّا مِنْ بَعْضٍ وَ بَعْضُكُمْ  
أَكْثَرُ صِيَامًا مِنْ بَعْضٍ»

بعضی‌ها گفتند کسی که «اکثر صلاة» است، بعضی‌ها گفتند کسی زیاد حج رفته باشد، کسی گفت زیاد انفاق کرده، هر کسی چیزی گفت. حضرت فرمود:

وَ أَفْضَلُكُمْ أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً»

بهترین و با فضیلت‌ترین شما کسی است که معرفتش بالاتر باشد!

بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی،  
ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج3، ص14

اگر کسی معرفتش به خدا و اهل‌بیت بالا رفت، همه چیز است اما اگر معرفت بالا نرفت همین‌طور دور خودش می‌چرخد.

خدا بر همه شما توفیق بدهد و همه را سربلند در دنیا و آخرت بکند. التماس دعا

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»